

بررسی اختلالات روانی و تاثیر آن بر کیفیت یادگیری دانش آموزان

کبری حسین پور^۱ و فروغ رمضان نیا^۲

۱- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پالوس

۲- دکترای مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پالوس

چکیده

ناتوانی‌های یادگیری ویژه، حالتی مزمن است که منشأ نورولوژیک دارد و به صورت انتخابی در کار رشد و یا ابزار مهارت‌های کلامی و غیرکلامی دخالت می‌کند. این اختلال ممکن است در افرادی که دارای هوش متوسط یا بالا و کسانی که سیستم‌های حسی و حرکتی‌شان به طور کافی درست کار می‌کند. بارزترین شکل ناتوانی یادگیری، بدون تردید دیسلکسی است. به نظر می‌رسد که این نوع مشکل یادگیری فقط یک درصد از جمعیت دانش آموزان را در برمی‌گیرد. روش این پژوهش با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای بود. نتایج نشان داد اختلالات روانی بشدت بر روی کیفیت تحصیلی و زندگی دانش آموزان تاثیر منفی دارند. آموزش و پرورش و معلمان باید با انجام راهکارهای گفته شده، برای بهبود این امر قدم بردارند.

کلیدواژه‌ها: زندگی، کیفیت یادگیری، اختلالات روانی، دانش آموزان

۱- مقدمه

با نگاهی به پیشینه فرهنگ و تمدن بشری، زمانی که غرب در قرون وسطی به سر می‌برد و همه‌جا را سیاهی و جهالت فراگرفته بود دانشمندانی چون ابوریحان بیرونی، ابن‌سینا، رازی، غزالی و ابن‌هیثم و... مشعل‌داران علم و دانش بودند و این درخشندگی از سوئی ناشی از نوعی یادگیری پژوهش محور و مستقل و از سوی دیگر از قدرت تلفیق علم و دین بود. اما متأسفانه از قرن نهم به بعد این فروغ و روشنایی شروع به افول نمود و غربی‌ها میراث‌خوار دانش ایرانیان شدند و با تحقیق و پژوهش برفراز قله علم و دانش ایستادند. این نبود مگر با اصلاح آموزش و پرورش، اگر به نقطه شکوفایی آمریکا بنگریم به دهه ۱۹۶۰ میلادی خواهیم رسید که علت رشد اقتصادی آنان رشد تکنولوژی است که حاصل علم و دانش و پژوهش است.

بازسازی تمدن گذشته برای ایرانیان با عنایت به نوید رسول گرامی اسلام (ص)، وقتی دست مبارک را بر زانوی سلمان می‌گذارد و می‌فرماید: اگر علم در ستاره پروین و ثریا هم باشد مردان فارسی آن را به دست خواهند آورد، دستیابی به تمدن گذشته و سرآمدی در علم و دانش ناممکن نیست، البته لازمه آن شناسایی آسیب‌های نظام آموزشی و تحول بنیادی در آموزش و پرورش و همگام کردن آن با روح زمانه است.

تعریف اختلالات یادگیری:

اصطلاح اختلالات یادگیری از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش‌آموزانی برخاسته است که به‌طور مداوم در کارهای درسی خود با شکست مواجه می‌شوند و درعین حال در چهارچوب سنتی دانش‌آموزان استثنایی نمی‌گنجند.

تعاریف ناتوانی یادگیری با تغییرات متنوعی همراه بوده است این امر ممکن است به خاطر ارزشیابی و بازنگری‌های متحد و در این قلمرو و ماهیت علمی آن باشد. رشته‌های تخصصی متعددی به‌طور مثال پزشکی، روانشناسی، علوم تربیتی، زبان‌شناسی و عصب‌شناسی، هرکدام اصطلاحاتی را برای تبیین این اختلال دخیل کرده‌اند. برای مثال علوم تربیتی عبارت ناتوانی یادگیری خاص را به کار می‌برد، روانشناسی از مقولات همچون اختلالات ادراکی، رفتارهای فزون کنشی، نقص توجه و زبان‌شناسی از عبارات ناگویی اکتسابی، نارساخوانی و پزشکی و عصب‌شناسی از موارد ضربه مغزی، نارساکنش‌وری قلیل مغز، صدمه یا آسیب مغزی استفاده می‌کنند. (شریفی درآمدی، ۱۳۸۱)

تعریف قانون آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری چنین است:

«ناتوانی یادگیری بخصوص، یعنی اختلالی در یک یا چند فرایند روانی پایه که به درک یا استفاده از زبان شفاهی یا کتبی مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن، یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود. این اصطلاح شرایطی چون معلولیت‌های ادراکی، آسیب‌دیدگی‌های مغزی، نقص جزئی در کار مغز، دیس‌لکسی یا نارساخوانی و آفازیای رشدی را در برمی‌گیرد.» (جرالد ومگ لافلین، منشی طوسی، ۱۳۷۶)

انجمن مخصوص دانش‌آموزان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری تعریف دیگری را ارائه داده است، این تعریف معتقد است که ناتوانی‌های یادگیری ریشه نورولوژیک دارد و وجه تمایز این تعریف آن است که وسعت حوزه‌هایی که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، وسیعتر می‌کند و آن را به چیزی غیر از دروس نیز گوش می‌دهد. تعریف چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری ویژه، حالتی مزمن است که منشأ نورولوژیک دارد و به صورت انتخابی در کار رشد و یا ابزار مهارت‌های کلامی و غیرکلامی دخالت می‌کند. این اختلال ممکن است در افرادی که دارای هوش متوسط یا بالا و کسانی که سیستم‌های حسی و حرکتی‌شان به‌طور کافی درست کار می‌کند و اشخاصی که از فرصت‌های یادگیری به‌اندازه کافی استفاده می‌کنند نیز تظاهر کند. ناتوانی‌های یادگیری از نظر نوع تظاهرات و میزان رشد فرد می‌تواند متفاوت باشد. این حالت ممکن است در سراسر زندگی در عزت نفس، تحصیلات، شغل، ارتباط با دیگران و فعالیت‌های روزمره فرد، تأثیر منفی بگذارد.» دانیل پی و کافئین، جوادیان، ۱۳۷۵)

در سال ۱۹۸۱ کمیته مشترک ملی برای ناتوانی‌های یادگیری (njlcd)، مرکب از: نمایندگان انجمن گویایی و شنوایی آمریکا، جامعه دانش‌آموزان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری، شورای مخصوص ناتوانی‌های یادگیری، بخش مربوط به

دانش‌آموزانی که دچار اختلالات ارتباطی هستند، انجمن بین‌المللی خواندن، انجمن دیسلکی مشترکاً تعریفی ارائه داده‌اند که چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری یک اصطلاح کلی است که به علت گروهی از بی‌نظمی‌های نامتجانس به وجود می‌آید. این حالت ممکن است به صورت اشکالات مهمی در اعمالی نظیر: گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، استدلال کردن یا حساب کردن تظاهر نماید. اکثر این بی‌نظمی‌ها جنبه ذاتی دارند و به نظر می‌رسد که معلول بدکاری سیستم اعصاب مرکزی باشند. حتی با وجود اینکه ناتوانی یادگیری ممکن است همراه با سایر شرایط معلولیت رخ دهد و یا تأثیرات منفی محیطی مانند تفاوت‌های فرهنگی، آموزش نامناسب و کافی را در برداشته باشد.» (دانیل پی وکافن، جوادیان، ۱۳۷۵)

تعریف دیگری که در اینجا ارائه می‌شود به نقل از کنگره آمریکا طبق قانون عمومی ۹۴-۱۴۲ است، تعریف چنین است: «ناتوانی‌های یادگیری به معنای وجود اختلالی در یک یا چند فرآیند روان‌شناختی پایه بوده که به فهم یا استفاده از زبان نوشتاری و یا گفتاری مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن و هجی کردن یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود.» (ایلوارد و براون، برداری، ۱۳۷۷)

ویژگی‌های دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری:

در بررسی ویژگی‌های دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری باید به این امر توجه کنیم که میزان شباهت‌های این دانش‌آموزان با دانش‌آموزان عادی بسیار بیش از میزان تفاوت‌های آن‌ها با این دانش‌آموزان است. بنابراین در بررسی ویژگی‌های دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری باید به دنبال توصیف برخی از ویژگی‌های خاص بود. ضمناً باید به این نکته نیز توجه کرد که مبتلایان به ناتوانی یادگیری معمولاً در زمینه‌های دچار مشکل هستند که این مشکل در یادگیری تحصیلی جلوه می‌کند. ریاضیات، خواندن، بیان نوشتاری و ... زمینه‌هایی هستند که به‌عنوان محل ظهور ناتوانی یادگیری تلقی می‌گردند. (حاج بابایی، دهقانی، ۱۳۷۲) که در فصل انواع ناتوانی‌های یادگیری مفصل توضیح داده خواهد شد.

در این قسمت مروری مختصر درباره ویژگی‌های اختلالات یادگیری خواهیم داشت که به شرح زیر هست.

(الف) دشواری یادگیری تحصیلی: دشواری‌های تحصیلی پذیرفته‌ترین ویژگی‌های افراد دارای ناتوانی‌های یادگیری هستند. از جمله ویژگی‌های ذکر شده در معیارهای تشخیص ۱۹۷۷ مهارت‌های خواندن پایه، درک مطلب خواندنی، بیان نوشتاری، محاسبات ریاضی و استدلال ریاضی است.

(ب) اختلالات زبانی: مشکلات زبانی، مانند دشواری‌های خواندن و ریاضی برحسب جزء اختلاف تعبیر و تفسیر می‌شوند. به‌ویژه در مقررات تعریف ۱۹۷۷ مهارت‌های ناقص در بیان شفاهی و درک مطلب شنیداری ذکر شده است.

مارج تخمین می‌زند که ۵۰ درصد از افراد دارای اختلال یادگیری نارسایی‌هایی در زبان دارند.

(ج) اختلالات ادراکی: اختلالات ادراکی (ناتوانی در تشخیص، تمیز دادن، تعبیر و تفسیر حس) به‌ویژه اختلالات دیداری و شنیداری به‌طور سنتی توجه فراوان چندین صاحب‌نظر در حوزه اختلالات یادگیری را به خود جلب کرده‌اند برخی از اصطلاحات رایج در این حوزه عبارت‌اند از دریافت دیداری، حافظه، تمیز شنیداری، حافظه شنیداری و یکپارچه‌سازی بین حواس.

(د) مشکلات اجتماعی - هیجانی (عاطفی): بسیاری از دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری به علت ناکامی ناشی از دشواری‌های یادگیری خود، اعمالی از هم‌گسیخته دارند و در آن‌ها نوعی احساس خود ارزشمندی منفی ایجاد می‌شود.

آنان به‌جای آموختن و کسب نگرش‌هایی درباره تکالیفی که می‌توانند انجام دهند اغلب به آموختن آنچه نمی‌توانند انجام دهند توجه می‌کنند و این باعث ایجاد عزت‌نفس ضعیفی در آن‌ها می‌شود. این دانش‌آموزان علت شکست‌های متوالی، اغلب باورهای مربوط به پیشرفت ناسازگارانه پیدا می‌کنند که به نوبه خود مشکلاتی ایجاد می‌کنند که فراتر از اختلالات اصلی هستند.

¹ marge

هـ) مشکلات حافظه‌ای: دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری معمولاً در به خاطر سپردن محرک‌های شنیداری و دیداری مشکل دارند و این دانش‌آموزان نارسایی‌های بارزی در حافظه فعال (کوتاه‌مدت) نشان می‌دهند. (کریمی، ۱۳۸۰) به نظر نیلسن ویژگی‌های زیر ممکن است در رفتار دانش‌آموزان با اختلالات یادگیری پدیدار گردد:

- استفاده ناشیانه از مداد و قیچی
- حواس‌پرتی
- فزون‌کنشی
- مشکلات هماهنگی ادراکی
- فقدان مهارت‌های سازمانی
- کم‌تحملی در مقابل ناکامی و شکست
- وجود مشکل در روابط اجتماعی
- وجود مشکلات در شروع و اتمام تکالیف
- حرمت خود پایین
- وجود مشکلاتی در روابط اجتماعی
- وجود مشکلات در شروع و اتمام تکالیف
- وجود نقص در حافظه توالی شنیداری
- وجود نقص در حافظه توالی دیداری
- اختلال کارکرد سیستم عصبی
- عملکرد ناهماهنگ و غیرقابل‌پیش‌بینی در یک آزمون
- وجود مشکلات پردازش شنیداری
- وجود مشکلات هماهنگی بصری - حرکتی
- نقص در توجه (براتلند، افروز و میرنسب، ۱۳۷۹)

وست وود در کتاب خود برخی از ویژگی‌های دانش‌آموزان دچار ناتوانی یادگیری را این چنین بر شمرده است:

- ❖ (۱) سابقه تأخیر در رشد گویایی
- ❖ مشکلات ادراک بینایی (واژگون‌سازی فراوان حروف به اعداد به شکل تجسمات نامشخص یا مخدوش کلمات)
- ❖ مشکلات ادراک شنوایی (از جمله، اختلالاتی در شناسایی صداهای درون کلمات و ترکیب اصوات به صورت کلمه)
- ❖ ضعف یکپارچه‌سازی حسی اطلاعات (برای مثال، کودک نمی‌تواند به آسانی نشانه‌های چاپی و الفظی مربوط به آن‌ها را به هم ربط دهد و به خاطر بیاورد).
- ❖ ضعف در جانبی‌سازی (برای مثال، رشد نایافتگی برتری چشم و دست، اختلال در جهت‌گزینی حسی)
- ❖ بعضی از نشانه‌های معلولیت عصبی
- ❖ فزون‌کنشی
- ❖ مهارت‌های ضعیف در ردیف کردن (به‌گونه‌ای که هنگام ردیف کردن حروف در هم، هنگام هجی کردن و یا هنگام پرداختن به کلمات در بیان بروز می‌کند).
- ❖ ضعف در همکاری متقابل
- ❖ سطح پایین انگیزش
- ❖ مشکلات هیجانی ثانویه به شکست‌های یادگیری و پیشرفت ناچیز تحصیلی. (کریمی، ۱۳۸۰)

انواع ناتوانی‌های یادگیری:

اختلال‌ها و ناتوانی‌هایی که به‌طور معمول در دورهٔ کودکی و نوجوانی رایج هستند و تشخیص داده می‌شوند، عبارت‌اند از: اختلال‌های یادگیری، اختلال‌های ارتباطی، اختلال‌های رشد زبان و گفتار، اختلال‌های دفع، اختلال‌های حرکتی و نظایر آن. در میان اختلال‌های یادشده، در دوره ابتدایی اختلال‌های یادگیری یا به بیان درست‌تر ناتوانی‌های یادگیری بیشتر بروز و ظهور پیدا می‌کنند و اغلب با اختلال نارسایی در توجه، بیش‌فعالی و رفتارهای تکانشی همراه است. همان‌طور که ذکر شد زمینه‌های آسیب‌زایی هرگونه اختلال یا ناتوانی از بدو انعقاد نطفه و از دوران جنینی شروع می‌شود. (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۸)

در اینجا ناتوانی در خواندن، هجی کردن، نوشتن و حساب کردن مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف) ناتوانی در خواندن: (دیسلکسی)

«بارزترین شکل ناتوانی یادگیری، بدون تردید دیسلکسی است. به نظر می‌رسد که این نوع مشکل یادگیری فقط یک درصد از جمعیت دانش‌آموزان را در برمی‌گیرد. اغلب این مشکل را اختلالی می‌دانند که به صورت ناتوانی در یادگیری خواندن، باوجود آموزش‌های مرسوم، هوش کافی و فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی کافی ظاهر می‌شود.» (شیلاندی، ۱۳۸۱)

«جمعی از مشاوران معتقد هستند که ناتوانی در خواندن هنگامی رخ می‌دهد که مهارت خواندن یا توانایی عمومی خواندن فرد به‌طور بارزی که با توجه به توانایی‌های هوش‌اش پیش‌بینی می‌شود کمتر بوده و پذیرفته‌شده باشد که سایر شرایط معلولیت ساز با تأثیرات محیطی در آن نقشی نداشته‌اند. چنانچه فقط ناتوانی در خواندن به صورت ضعف عمومی در مهارت‌های زبان باشد می‌توان آن را به‌عنوان ناتوانی در خواندن با اسامی زبانی قلمداد کرد.» (جمعی از مشاوران، ۱۳۸۲)

دانش‌آموزانی که دچار ناتوانی یادگیری در خواندن هستند مبتلابه ناتوانی‌های یادگیری رشدی در زمینه‌های توجه، حافظه و ادراک شنیداری می‌باشند. گاهی این قبیل دانش‌آموزان درگوش دادن، نگاه کردن، حرکت چشم و توجه کردن با مشکلاتی مواجه هستند، بسیاری از دانش‌آموزان با ناتوانی خواندن، قادر نیستند حروف و کلمه‌ها، به‌ویژه حروف و کلمه‌های مشابه را با چشم تشخیص دهند و دچار مشکلات دیداری هستند. برای مثال تشخیص «برگ از مرگ» یا «کباب از کتاب» مشکل دارند. همچنین عده‌ای از دانش‌آموزان در تشخیص و ترکیب صداها با مسئله روبرو هستند و در تشخیص صداها مشابه ناتوان می‌باشند. برای مثال برای این قبیل دانش‌آموزان تشخیص تفاوت شنیداری کلمه‌های پُر - پر، نرو - برو، ابرو، آبرو، رنگ - زنگ دشوار است. دانش‌آموزانی که قادر نیستند تصویر حرف خاصی را به یادآورند. با مشکل بازشناسی آن حرف و در نتیجه با مشکل خواندن روبرو می‌شوند. گروهی از این دانش‌آموزان هنگام خواندن در حفظ توالی و ترتیب حروف در یک کلمه با مشکل روبرو می‌شوند برای مثال به جای «کبریت، کبریت» و به جای «قفسه، قفسه» می‌خوانند. شواهد موجود نشان می‌دهند که ناتوانی در خواندن نزد پسران بیشتر از دختران است به‌طوری که حدود شصت تا هشتاد درصد افرادی که مبتلابه مشکلات خواندن تشخیص داده شده‌اند، از جنس مذکر هستند. (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۸)

ب) ناتوانی در هجی کردن: (دیس آر توگرافیا)

«دانش‌آموزانی که در خواندن مشکل دارند قادر به خواندن حروف و کلمه‌ها و فهم آن‌ها نیستند و هنگام خواندن آهسته، کلمه به کلمه و بریده‌بریده می‌خوانند، آن‌ها هنگام خواندن، حروف یا کلمات را حذف یا اضافه می‌کنند.»

ج) ناتوانی در نوشتن: (دیس گرافیا)

در بیان مهارت‌های تحصیلی پایه، نوشتن، پیچیده‌ترین و عالی‌ترین مهارت است که در دوران تحصیل آشکار می‌شود. کودکی که دچار ناتوانی در نوشتن است، در خواندن نیز مشکل دارد، مشکلات نوشتن به شکل‌های نارسانویسی، سرهم‌نویسی، بدخطی، شتابان نویسی، وارونه‌نویسی، جدانویسی، آینه نویسی و نظایر آن ظاهر می‌شود.

مشکلات نوشتن امکان دارد ناشی از عدم هماهنگی چشم و دست و اختلال در جهت‌یابی باشد. گاهی اوقات دانش‌آموزان مبتلابه ناتوانی در نوشتن قادر نیستند مداد را به‌درستی به دست‌گیرند و یا مداد را به‌درستی حرکت دهند. علت آن است که این قبیل دانش‌آموزان چندین مهارت پیش‌نیاز، مانند مهارت‌های حرکتی ظریف، هماهنگی چشم و دست، فشار آوردن و چرخاندن مچ دست را قبلاً کسب نکرده‌اند. در برخی از موارد عضلات و اعصاب انگشتان و دست کودک به‌قدر کافی رشد نکرده

است. برای مثال برخی از دانش‌آموزان مداد را بیش‌ازحد محکم یا شل در دست می‌گیرند و یا گروهی مداد را مشت می‌گیرند. بنابراین نخستین گام برای رفع مشکلات نوشتاری آموزش صحیح به دست گرفتن مداد است.

مشکلات متداول در نوشتن:

۱. **کج‌نویسی بیش‌ازحد:** این‌گونه مشکلات در نوشتن ممکن است به علت بسیار نزدیک بودن بازو و به بدن، بسیار محکم یا شل گرفتن مداد، دور بودن انگشتان از نوک مداد رخ دهد.

۲. **راست‌نویسی بیش‌ازحد:** این قبیل مشکلات در نوشتن امکان دارد به علت بسیار دور بودن بازو از بدن، نزدیک بودن انگشتان به نوک مداد و درست نبودن وضعیت کاغذ به وجود آید.

۳. **پرفشار یا کم‌فشار نوشتن:** بر اثر فشار آوردن بیش‌ازحد یا کمتر از حد لازم مداد روی کاغذ و یا استفاده از مداد مناسب این‌گونه مشکلات بروز می‌کند.

۴. **ناتوانی در نسخه‌برداری:** نسخه‌برداری یا کپی‌برداری از شکل‌های هندسی و حروف، مشکل دیگری از نوشتن است. برخی از دانش‌آموزان هنگام نسخه‌برداری، بخشی را حذف یا اضافه می‌کنند و گاهی اوقات شکلی را بسیار بزرگ و یا کوچک می‌کشند. علت آن است که این‌گونه دانش‌آموزان از نظر حافظه دیداری مشکل دارند.

۵. **وضعیت بدن و سر:** وضعیت بدن به‌طورکلی، به‌ویژه وضعیت سر و دست هنگام نوشتن عامل دیگری است که در دانش‌آموزان با ناتوانی در نوشتن باید مورد مطالعه قرار گیرد. برای مثال بارها مشاهده شده است که این‌گونه دانش‌آموزان هنگام نوشتن طوری سرخود را پایین می‌آورند که سرشان به کاغذ می‌چسبد و یا کاغذ را بیش‌ازحد کج می‌گذارند.

۶. **جدانویسی و سرهم‌نویسی:** برخی از دانش‌آموزان، حروف و کلمه‌ها با فاصله زیاد از هم و جدا می‌نویسند. درحالی‌که برخی از دانش‌آموزان با ناتوانی در نوشتن، حروف و کلمه‌ها را جابجا می‌نویسند و بعضی حروف و کلمه‌ها را سرهم و کاملاً نزدیک به حروف و کلمه‌های دیگر می‌نویسند که خواندن را مشکل می‌سازد. برای مثال کودک کلمه احمد را به صورت «احمد» می‌نویسد.

۷. **چپ‌دستی:** امروزه نوشتن با دست چپ امری بهنجار و عادی است و تمام متخصصان بر این باور هستند که باید به کودک اجازه داد تا با دست برتر بنویسد و کارهای خود را با دست برتر انجام دهد.

۸. **بدخطی:** مسئله بدخطی یا ناخوانا نویسی به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود: الف) عدم تناسب اندازه یک حرف در کلمه‌ها: برای مثال کودک حرف الف را در یک کلمه کشیده و در کلمه دیگر کوتاه می‌نویسد.

ب) لرزش دست در نوشتن: برای مثال کودک تعداد دندان‌های حروف سین یا شین را بیشتر یا کمتر می‌نویسد.

ج) آینه‌نویسی و وارونه‌نویسی: برای مثال کودک کلمه بابا را به شکل می‌نویسد.

د) ناتوانی در حساب کردن: (دیسکالکولیا)

ریاضیات زبان نمادین است و دانش‌آموز باید مفاهیم ریاضی مانند عدد، زمان، شکل، فاصله، اندازه و نظم را بیاموزد. آموزش نادرست و ضعیف، روش تدریس نامناسب و عدم استفاده از روش‌های عینی، عواملی هستند که موجب ناتوانی یادگیری در حساب می‌گردد. برخی از مشکلات حساب از اختلال‌های گوناگون در حافظه و ادراک مفاهیم مانند مفاهیم بزرگ - کوچک، باز - بسته، کوتاه - بلند و تشخیص شکل و اندازه و رنگ ناشی می‌شود. (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۸) به‌غیراز این طبقه‌بندی، طبقه‌بندی دیگری نیز وجود دارد که ناتوانی‌های یادگیری را به ۶ دسته تقسیم می‌کند:

۱ - ناتوانی‌های یادگیری زبانی: ناتوانی یادگیری زبان گفتاری طیفی وسیع از دانش‌آموزان را در برمی‌گیرد که معمولاً تحت عناوین فرعی زبان درونی، زبان دریافتی^۱ و زبان بیانی^۱ مورد بحث قرار می‌گیرند.

¹ Inner language

زبان درونی به زبانی گفته می‌شود که از خود فرد برخاسته باشد و در حد همان درون فرد باقی بماند اما برای برقراری ارتباط به کار آید. این زبان در کار مفهوم‌سازی، تصویرسازی کلمات و هضم مفاهیم به ما بسیار کمک می‌کند و دانش‌آموزانی که دارای این نوع از ناتوانی هستند، معمولاً از درک معانی واژه‌ها عاجز می‌باشند.

زبان دریافتی عبارت از توانایی درک زبان محاوره‌ای یا شفاهی است. کودک قبلاً به ناتوانی یادگیری زبان دریافتی معمولاً مکالمات روزمره را از نظر فیزیولوژیکی می‌شنود اما آن‌ها را درک نمی‌کند. اختلال یادگیری از این نوع را نیز بانام‌هایی دیگر چون ناشنوایی کلمه، زبان پریشی دریافتی، زبان پریشی حسی، عدم ادراک شنیداری کلام یاد می‌کنند. زبان بیانی نیز به زبانی اطلاق می‌شود که به‌وسیله آن می‌توانیم با دیگران به‌طور شفاهی ارتباط برقرار کنیم و نیازهای خود را اعلام نماییم، تفکراتمان را شرح دهیم، آرزوهایمان را بگوییم و ...

۲ - ناتوانی یادگیری خواندن: ناتوانی یادگیری خواندن مهارتی است که برخلاف زبان مختص به محیط تحصیلی بوده و تا هنگامی که آموزش‌های رسمی و کلاسیک آغاز نشود. تشخیص آن تقریباً ممکن نیست یا به‌دشواری صورت می‌گیرد. ناتوانی خواندن در واقع عارضه‌ای بسیار شایع است که بخش اعظم دانش‌آموزان مبتلابه ناتوانی یادگیری را تشکیل می‌دهد.

ناتوانی یادگیری مربوط به خواندن می‌تواند برحسب عوامل اصلی پدیدآورنده خود مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

۳ - ناتوانی یادگیری نوشتار: نوشتار نیز نوعی زبان بیان است که به فراوانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ناتوانی یادگیری زبان نوشتاری نیز امری است که در سنین آموزشگاهی آشکار می‌شود و تشخیص مبتلایان در سنین پیش آموزشگاهی دشوار است. کودک ناتوانی یادگیری زبان نوشتاری معمولاً در زمینه‌هایی متفاوت می‌تواند دچار مشکل شود.

زمینه‌هایی مثل نوشتن با دست، ضعف مهارت‌های پیش‌نیاز نوشتن. ضعف و ناتوانی در شکل دادن به حروف، وارونه نویسی، جدانویسی، آیین نویسی، دیکته نویسی و ...

۴ - ناتوانی‌های یادگیری مربوط به ریاضیات: ناتوانی یادگیری ریاضیات فیزیکی دیگر از طبقات اصلی و شایع این اختلال است. مطالعات انجام‌شده در این زمینه نیز بسیار اندک و ناکافی هست. دیس کالکولیا^۱ یا ناتوانی یادگیری در ریاضی نیز می‌تواند به اشکالی متفاوت چون تشخیص شکل، اندازه، اعداد، شمارش و محاسبه و اندازه‌گیری و ... نمود پیدا کند.

۵ - ناتوانی‌های یادگیری اجتماعی - عاطفی: دسته‌ای دیگر از دانش‌آموزان که با توانی در یادگیری آداب و روابط اجتماعی و نیز کنترل‌های عاطفی چه در بیان و بروز عواطف و چه در پذیرش و تحمل آن‌ها مبتلا هستند. این نوع از ناتوانی‌های یادگیری معمولاً به اشکالی متفاوت چون اتکای مرضی به دیگران تصور نادرست از خود، حواس‌پرتی، بروز رفتارهای نامناسب، گوشه‌گیری، تحرک بیش‌ازحد، عدم ادراک اجتماعی و ... جلوه می‌کند. ناتوانی‌های یادگیری اجتماعی، عاطفی محوری مهم است که بی‌توجهی به آن می‌تواند پیامدهای نامناسب شناختی نیز داشته باشد.

۶ - ناتوانی‌های یادگیری ادراکی - حرکتی: آخرین طبقه از ناتوانی یادگیری، ناتوانی ادراکی، حرکتی است، زندگی ما با مهارت‌های ادراکی - حرکتی آمیخته است. مهارت‌هایی که نبود آن‌ها حتی زندگی ما را مورد تهدید قرار می‌دهد. این نوع مهارت‌ها نیز می‌بایستی همانند خواندن و نوشتن آموخته شوند. بنابراین چه گفتیم طبیعی است که درصدی از دانش‌آموزان و نوجوانان در یادگیری مهارت‌های یادشده در بالا دچار مشکل اساسی باشند. زمینه‌هایی که معمولاً بیش از بقیه در این حیطه می‌توانند مطرح گردند. شامل کاستی‌های ادراک دیداری تشخیص شکل و زمینه، ارتباط‌های فضایی، هم‌آمیزی دیداری- حرکتی، ادراکی شکل، تمیز شنوایی، حافظه‌شنیداری، کاستی‌های حرکتی نداشتن تعادل ایستا و پویا، ضعف در مهارت‌های حرکتی ظریف یادداشت و ... هست (حاج بابایی و دهقانی، ۱۳۷۲)

¹ receptive language

² expressive language

³ Dyscalculia

طبقه‌بندی دیگری که از ناتوانی‌های یادگیری شده است به‌قرار زیر است:

۱ - مشکلات در سخن گفتن: در سخن گفتن تکامل‌یافته در کودک سه مرحله صورت می‌گیرد:

(الف) توانایی دریافت اصوات مختلف از طریق سیستم شنوایی

(ب) تعبیر و تفسیر اصوات منتقل شده از طریق گوش توسط مغز

(ج) پس از تعبیر و تفسیر اصوات دستگاه تکلمی از طریق مرکز عصبی توانایی ابراز عکس‌العمل در قالب بیان و گفتار را داشته باشد. بر این اساس اگر در هر یک از مراحل فوق مشکلی به وجود آید موجب بروز اختلال در سخن گفتن می‌گردد که در اینجا به برخی از مشکلات سخن گفتن اشاره می‌شود:

الف - تأخیر در تکلم: تأخیر در تکلم ناشی از دو علت است. یکی در اثر کری که فرد اصوات را نمی‌شنود به همین دلیل در بیان واکنش به صدا نیز عاجز است. علت دوم ناشی از اختلالات عاطفی هست که در این صورت فرد قادر به تکلم نیست. اختلال حاصله به‌هیچ‌وجه جنبه عضوی ندارد.

ب - آرنانی یا مشکلات در ساختن کلمه: حالتی است که در آن فرد صدا را شنیده ولی از تعبیر و تفسیر آن عاجز هست و یا حتی ممکن است برای خود تعبیر و تفسیر نمایند اما از بیان واکنش شفاهی عاجز باشد. اصطلاح دیسفازی را معمولاً در مورد این دانش‌آموزان به کار می‌برند.

از علل آفازی می‌توان عوامل مادرزادی، ضایعات رگ‌های خونی و حالت آنسفالیت را نام برد.

ج - لکنت زبان: به‌طور کلی هر فردی که از نظر تکلم طبیعی باشد در ادای کلمات و همچنین زمانی که صرف آن می‌کند دارای نظم و آهنگ خاصی است. حال اگر فردی باشد که این ریتم و نظم از کنترل او خارج شود لکنت زبان دارد. لکنت زبان به دودسته تقسیم می‌شود.

(۱) لکنت زبان در مورد تکرار یک سیلاب خاص.

(۲) لکنت زبان در مورد تلفظ یک کلمه که در آن فرد تلاش می‌کند تا کلمه مربوط را بیان نماید.

د - ناتوانی در باز پدیدآوری هجاها: رایج‌ترین این حالات عبارت‌اند از:

(۱) حذف بخش آخر کلمه مثل کلمه هنو به‌جای هنوز

(۲) وارونه کردن کلمات مثلاً بقشاب به‌جای بشقاب

(۳) تغییر دادن گروه‌های صداها مثل هل کوفته به‌جای هلیکوپتر

اختلالات فوق ممکن است هر سه در یک فرد وجود داشته باشد. که این اختلالات در سنین ۳ یا ۴ سالگی بسیار زیاد است.

۲ - مشکلات در نوشتن: مهم‌ترین مشکلات دانش‌آموزان در نوشتن عبارت است از نارسانویسی^۱ و چپ‌دستی^۲

(الف) نارسانویسی: در این اختلال فرد علی‌رغم هوش طبیعی بسیار بد می‌نویسد و این قبیل دانش‌آموزان ممکن است ناتوان از انجام اعمال حرکتی در نوشتن حروف و اشکال باشند و در مواردی نیز در اثر ضعیف بودن کارکردهای بینایی از تبدیل اطلاعات بینایی خود به صورت اعمال حرکتی می‌باشند.

(ب) چپ‌دستی: چپ‌دستی عبارت است از تمایل طبیعی فرد در نوشتن با دست چپ، کودک چپ‌دست در نوشتن از چپ به راست مشکل چندانی ندارد ولی هنگامی که بخواهد از راست به چپ بنویسد با مشکل روبرو می‌شود. چنین فردی به علت نداشتن دید کافی در آنچه می‌نویسد به صورت بدخط و نامرتب می‌نویسد.

۳ - مشکلات در توانایی‌های بینایی و شنوایی: مهم‌ترین این اختلالات عبارت‌اند از:

¹ -Dy phasia

² Dysgraphia

³ left handed

الف) کوری کلمه: کوری کلمه اختلالی است که در آن کودک علی‌رغم سلامت در بینایی و هوش طبیعی ناتوان از خواندن هست. افراد مبتلابه کوری کلمه دچار نقص در خواندن هستند که به صورت نامنظم، منقطع، کج و فاصله‌دار هست. افراد مبتلابه کوری کلمه قادر به بیان اهداف و مقاصد خویش از طریق نوشتن به سهولت و روانی نیست.

ب) آگنوزیای شنوایی^۱: این گروه از دانش‌آموزان علی‌رغم سلامت سیستم شنوایی در تشخیص حروف و واژه‌های متشابه دچار اشکال می‌باشند. این عارضه در تشخیص صداهای مربوط به گفتار شدیدتر هست. مثلاً اگر لیستی از حروف یا کلمات مشابه را برای کودک بخوانیم و از کودک بخواهیم که تفاوت آن‌ها را بیان دارد از این کار عاجز خواهد بود. برای تشخیص این اختلال می‌توان چشمان کودک را بسته و از او خواست تا صداهایی مانند عطسه‌کردن، سرفه‌کردن و ... را تکرار کرده و آن را تقلید نمایند.

۴ - مشکلات در خواندن: دانش‌آموزانی نارسانا خوان گفته می‌شوند که در خواندن ناتوان هستند و به عبارت دیگر به علت وجود برخی مشکلات معمولاً دیرتر و بدتر از دانش‌آموزان عادی به درست خواندن دست پیدا می‌کنند و در برخی موارد ممکن است تا سال‌ها فرد دچار اختلال در خواندن که همراه با اشتباهات فراوان است باشد. افراد نارسانا خوان معمولاً از هوش طبیعی برخوردار می‌باشند. البته آموزش، دانش‌آموزان با مشکلات خواندن روبرو هستند لکن نمی‌توان آنان را نارساناخوان تلقی نمود بلکه باید مدت ۱ تا ۲ سال از آموزش آن‌ها گذشته باشد و در صورت تداوم مشکلات مربوط به نارساناخوانی می‌توان آنان را در گروه مبتلایان به این اختلال فرض کرد.

دانش‌آموزان نارساناخوان عمدتاً مشکلاتی در مسائل مربوط به هماهنگی‌های حرکتی، بینایی و ادراک کلی دارند. به‌طور خلاصه مشکلات افراد نارساناخوان به شرح زیر هست.

- ۱) اشتباه در مورد حروفی که شبیه یکدیگر می‌باشند مانند ج و چ
- ۲) وارونه خوانی مثل خواندن کلمه زور به جای روز
- ۳) حذف یا جمع کردن یک واژه و نیز جابجایی حروف و هجاها
- ۴) ناتوانی در ادراک ارزش بیانی واژه‌ها و ادراک جزء از کل
- ۵) ناتوانی در ریاضیات: این اختلال عبارت است از عدم توانایی در انجام اعمال ریاضی البته دانش‌آموزانی که دچار سایر ناتوانی‌های یادگیری هستند. الزاماً دچار اختلال در اعمال ریاضی نیستند. لکن تعدادی از دانش‌آموزان معمولاً عدم مهارت در انجام ریاضی دچار دشواری‌های تحصیلی می‌شوند. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۷)

نتایج

عوامل متعددی در پدید آیی ناتوانی‌های یادگیری دخالت دارند، مانند عوامل زیستی و عصب‌شناختی، آسیب‌های مغزی پیش از تولد، هنگام تولد و پس از تولد، عوامل ارثی، بیماری‌های جسمانی، عوامل شخصیتی و انگیزشی، عوامل آموزشی و فرهنگی، محرومیت‌های محیطی و خانوادگی، عدم بهداشت و سوء تغذیه، روش‌های تدریس و الگوهای یادگیری نامناسب و نظایر آن. بدیهی است تشخیص دقیق علل ناتوانی‌های یادگیری امر دشواری است، بنابراین مشکل هر دانش‌آموز باید به‌عنوان یک مشکل منحصر به فرد تلقی شود و به‌طور جداگانه بررسی شود.

منابع و مآخذ

۱. افروز. غلامعلی، مقدمه‌ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش دانش‌آموزان استثنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۲
۲. اچ، ایلوارد، الیزابت وار. براون. فرانک، تشخیص و ساماندهی ناتوانی‌هایی یادگیری، ترجمه رضا برادری، تهران، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، چاپ اول، ۱۳۷۷

¹ Auditory Agnosia

۳. استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان در دوره ابتدایی، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ هشتم، ۱۳۷۸
۴. جمعی از مشاوران، ناتوانی‌های یادگیری، یزد، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۸۲
۵. حاج بابایی، مرتضی و دهقانی هشتجین، یاور، آشنایی با ویژگیها و مسایل دانش‌آموزان استثنایی، تهران، نشر ایران، ۱۳۷۲
۶. دورکین، بل، اچ، مشکلات و رفتاری دانش‌آموزان، ترجمه پرویز صالحی، تهران، نشر بشری، چاپ اول، ۱۳۷۶
۷. شریفی درآمدی، پرویز، روانشناسی دانش‌آموزان استثنایی، تهران، نشر روانسنجی، چاپ اول، جلد ۲، ۱۳۸۱
۸. علیزاده، حمید، نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، تهران، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، شماره ۱۰ و ۱۱، خرداد و تیر ۱۳۸۱
۹. فرقانی رئیسی، شهلا، شناخت مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان و نوجوانان، تهران، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۷۲
۱۰. کرمی نوری، رضا و مرادی، علیرضا، روان‌شناسی تربیتی، تهران، نشر ایران، ۱۳۷۷
۱۱. کریمی، یوسف، اختلالات یادگیری، تهران، نشر ساوالان، چاپ اول، ۱۳۸۰